



دانشگاه باقر العلوم «ع»
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری
رشته مدرسی معارف اسلامی

عنوان:

مقایسه عقل کلامی و فلسفی در بحث مبدأشناسیاز منظر
سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و محقق طوسی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر حسن معلمی
حجت الاسلام دکتر محمدصفر جبرئیلی

دانشجو:

مصطفی سلطانی

بهار 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «ع»
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری
رشته مدرسی معارف اسلامی

عنوان:

مقایسه عقل کلامی و فلسفی در بحث مبدأشناسیاز منظر
سید مرتضی، قاضی عبدالجبار و محقق طوسی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین علی ربانی گلپایگانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر حسن معلمی
حجت الاسلام دکتر محمدصفر جبرئیلی

دانشجو:

مصطفی سلطانی

بهار 1391

صور تجلسه



«تهدیم»

به انوار پاک رسالت،

خصوصاً قطب عالم امکان

و روح پدرم که در سخت ترین شرائط زندگی

زمینه علم آموزی را برایم فراهم نمود.

شکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای قلم را، او که آنچه را انسان نمی دانست به او تعلیم داد.

با معرفت به کلام بلند: «من علمنی حرفه قد صیرنی عبدا»، بر خود لازم می دانم که از همه اساتیدی که توفیق شاکردی نزدشان برایم حاصل آمد، خصوصا استاد بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی «دام غره» که بارها همفانی ایشان این پژوهش به سرانجام رسید و اساتید بزرگوار حضرت حجت الاسلام دکتر محمد صفر جبرئیلی و حضرت حجت الاسلام دکتر حسن معلی که یار پژوهشگر این اثر بوده و با مشاوره خود پاره پاره ساله را به سر منزل مقصود بنمون نموده اند، قدردانی و شکر نمایم.

چکیده

اندیشمندان در وجود حقیقتی به نام عقل که ابزار تمییز است، اتفاق نظر دارند. و به دلیل پیچیدگی بحث در باره آن، علوم مختلف معانی متفاوت از ماهیت عقل را اراده می کنند، آنگونه که گویا هیچ وجه جامعی میان معانی عقل نیست، نام گذاری اشتراک واژه عقل به «اشتراک اسمی» از سوی صدرالمتألهینو عنایت به معنا و موارد اطلاق آن نزد اصحاب مکاتب، شاهدهی بر این ادعا است، پژوهش پیرامون ماهیت عقل در علم کلام و فلسفه و راهبرد آن در مبداءشناسی با تحلیل و توصیف دیدگاههای سیدمرتضی، خواجه نصیرالدین و قاضی عبدالجبار تلاشی در راستای حل این مشکل خواهد بود. ثمره تلاش پژوهشگر این رساله این است که عقل کاربردهای زیادی در فلسفه دارد، اما دو معنا از معانی آن از جمله عمده ترین و شایع ترین کاربرد عقل در فلسفه است: الف) عقل به عنوان مرتبه‌ای از هستی که موجودی ذاتا و فعلا مجرد است؛ ب) عقل به عنوان قوه‌ای از قوای نفس که غالبا در کتاب النفس مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های ما حاکی از آن است که معنای دوم از عقل نزد فلاسفه همان معنای مراد متکلمین از عقل است، از این رو عقل کلامی و فلسفی در مباحث مبداءشناسی تفاوت جوهری ندارند. عنایت به آراء سه اندیشمند مورد نظر، رهین این معنا است که علم کلام و فلسفه به توانمندی عقل در تبیین و تحلیل مسائل مبداءشناسی باور دارند، هرچند عقل فلسفی که خواجه نصیرالدین گرایش بیشتری به آن دارد، از توانمندی و نقش آفرینی استوارتری برخوردار بوده است.

در این پژوهش تلاش شده است تا با بررسی برخی مباحث جزئی در مبداءشناسی و تمرکز بر موضوعات خاص مثل برهان حدوث و برهان امکان و وجوب و بحث از صفاتی که صبغه عقلانی داشته به توصیف و تحلیل اندیشه‌های سه متفکر مورد نظر در اثبات مبداء و صفات خداوند پرداخته و از این راه هدف را دنبال نمودیم.

کلیدواژه: عقل کلامی، عقل فلسفی، برهان حدوث، برهان امکان، صفات خبری، مبداء شناسی،

سیدمرتضی، خواجه نصیر، قاضی عبدالجبار.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	1
فصل اول: کلیات.....	3
الف) مباحث مقدماتی.....	4
1. تبیین موضوع.....	4
2. هدف تحقیق.....	4
3. سؤال اصلی.....	5
4. سؤال‌اتفرعی.....	5
5. روش تحقیق.....	5
6. فرضیه.....	5
ب) نگرشی به شخصیت کلامی و فلسفی سیدمرتضی، قاضی عبدالجبار و محقق طوسی.....	6
1. سیدمرتضی.....	6
2. قاضی عبدالجبار.....	11
3. خواجه نصیرالدین طوسی.....	14
فصل دوم: ویژگی‌های عقل فلسفی و کلامی.....	Error! Bookmark not defined.
الف) عقل در لغت.....	Error! Bookmark not defined.
ب) عقل در فلسفه و کلام.....	Error! Bookmark not defined.
1. عقل در فلسفه.....	Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی

Error! Bookmark not defined...... الف) اقسام و مراتب عقل

Error! Bookmark not defined...... ب) مراتب عقل نظری

Error! Bookmark not defined...... ج) مراتب عقل عملی

Error! Bookmark not defined...... 2. عقل در کلام

Error! Bookmark not defined...... الف) دیدگاه سید مرتضی (ره)

Error! Bookmark not defined...... ب) دیدگاه قاضی عبدالجبار

Error! Bookmark not defined...... ج) دیدگاه خواجه طوسی

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی و مقایسه

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined...... آیا عقل کلامی همان عقل جدلی است؟

Error! Bookmark not defined...... فصل سوم: عقل کلامی و فلسفی در اثبات صانع

Error! Bookmark not defined...... الف) عقل کلامی و فلسفی در برهان حدوث

Error! Bookmark not defined...... پیشینه برهان حدوث

Error! Bookmark not defined...... تقریرهای برهان حدوث

Error! Bookmark not defined...... 1. سیدمرتضی

Error! Bookmark not defined...... 2. قاضی عبدالجبار

Error! Bookmark not defined...... جمع بندی

Error! Bookmark not defined...... 3. محقق طوسی

Error! Bookmark not defined...... الف) حدوث زمانی

Error! Bookmark not defined...... ب) حدوث ذاتی

Error! Bookmark not defined...... تفاوت عقل کلامی و فلسفی در برهان حدوث

Error! Bookmark not defined...... ب) عقل فلسفی و برهان امکان و وجوب

Error! Bookmark not defined...... تبیین برهان امکان و وجوب در اندیشه محقق طوسی

Error! Bookmark not defined...... نکاتی پیرامون دو بیان خواجه از برهان

فصل چهارم: عقل کلامی و فلسفی در صفات ذاتیه خداوند.

الف) صفات ثبوتی.....

صفات الاهی از منظر دونحله.....

تفاوت اسم و صفت.....

1. قدرت الاهی.....

الف) قدرت الاهی از منظر سیدمرتضی.....

1. تعریف قدرت و ادله اثبات آن.....

2. ازلیت و ابدیت صفت قدرت.....

3. قلمرو قدرت.....

ب) قدرت الاهی از منظر قاضی عبدالجبار.....

1. تعریف قدرت و ادله اثبات آن.....

2. ازلیت قدرت الاهی.....

3. عمومیت قدرت خداوند.....

ج) قدرت الاهی از منظر خواجه نصیرالدین طوسی.....

1. تعریف قدرت و ادله اثبات آن.....

2. ازلیت قدرت الاهی.....

3. عمومیت قدرت الاهی.....

جمع بندی.....

مقایسه عقل کلامی و فلسفی در مسأله قدرت.....

2. علم الاهی.....

الف) سیدمرتضی و علم الاهی.....

1. تعریف علم الاهی و دلایل اثبات آن.....

2. قلمرو علم الاهی (علم خدا به موجودات قبل از ایجاد و بعد آن).....

ب) قاضی عبدالجبار و علم الاهی.....

1. تعریف علم الاهی و ادله اثبات آن.....

2. قلمرو علم الاهی (علم خدا به موجودات قبل از ایجاد و بعد آن).....

- ج) خواجه نصیرالدین و علم الاهی **Error! Bookmark not defined.**
1. تعریف علم الاهی **Error! Bookmark not defined.**
 2. مراتب علم الاهی **Error! Bookmark not defined.**
 3. علم الاهی به ذات خود **Error! Bookmark not defined.**
 4. علم پیشین الاهی به موجودات **Error! Bookmark not defined.**
 5. علم پسین خداوند به موجودات **Error! Bookmark not defined.**
 6. علم فعلی و انفعالی **Error! Bookmark not defined.**
 7. ازلیت علم الاهی **Error! Bookmark not defined.**
- جمع بندی **Error! Bookmark not defined.**
- مقایسه عقل کلامی و فلسفی در علم الاهی **Error! Bookmark not defined.**
3. حیات خداوند **Error! Bookmark not defined.**
- الف) حیات الاهی از منظر سیدمرتضی **Error! Bookmark not defined.**
- ب) حیات الاهی از منظر قاضی عبدالجبار **Error! Bookmark not defined.**
- ج) حیات الاهی در اندیشه محقق طوسی **Error! Bookmark not defined.**
- مقایسه عقل کلامی و فلسفی در حیات الاهی **Error! Bookmark not defined.**
4. اراده خداوند **Error! Bookmark not defined.**
1. اراده از نظر سیدمرتضی **Error! Bookmark not defined.**
- الف) تعریف اراده **Error! Bookmark not defined.**
- ب) ادله مرید بودن خداوند **Error! Bookmark not defined.**
- ج) حدوث اراده **Error! Bookmark not defined.**
2. اراده در اندیشه قاضی عبدالجبار **Error! Bookmark not defined.**
- الف) تعریف اراده **Error! Bookmark not defined.**
- ب) ادله اثبات اراده **Error! Bookmark not defined.**
- ج) حدوث اراده **Error! Bookmark not defined.**
- جمع بندی **Error! Bookmark not defined.**
3. نظر خواجه نصیرالدین در باره اراده **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined...... الف) تعریف اراده

Error! Bookmark not defined...... ب) ادله اثبات اراده

Error! Bookmark not defined...... ج) حدوث اراده

Error! Bookmark not defined...... مقایسه عقل کلامی و فلسفی در صفت اراده

Error! Bookmark not defined...... ب) صفات سلبيه

Error! Bookmark not defined...... صفات سلبيه از دیدگاه سیدمرتضی و قاضی عبدالجبار

Error! Bookmark not defined...... مقایسه عقل کلامی و فلسفی در صفات سلبيه

Error! Bookmark not defined...... 2. رؤیت خداوند

Error! Bookmark not defined...... الف) دیدگاه سیدمرتضی

Error! Bookmark not defined...... 1. دلایل عقلی نفی رؤیت

Error! Bookmark not defined...... 2. دلایل نقلی نفی رؤیت

Error! Bookmark not defined...... 3. رد دلایل مثبتان رؤیت

Error! Bookmark not defined...... ب) دیدگاه قاضی عبدالجبار

Error! Bookmark not defined...... 1. دلایل عقلی نفی رؤیت

Error! Bookmark not defined...... 2. دلایل نقلی نفی رؤیت

Error! Bookmark not defined...... 3. رد دلایل مثبتین رؤیت

Error! Bookmark not defined...... ج) دیدگاه خواجه طوسی

Error! Bookmark not defined...... 1. ادله عقلی

Error! Bookmark not defined...... 2. دلایل نقلی نفی رؤیت و رد دلایل مثبتین رؤیت

Error! Bookmark not defined...... مقایسه عقل کلامی و فلسفی در مسئله رؤیت

Error! Bookmark not defined...... فصل پنجم: عقل کلامی و فلسفی در صفات خبریه خداوند

Error! Bookmark not defined...... الف) تبیین صفات خبریه

Error! Bookmark not defined...... ب) دیدگاه های مختلف در صفات خبریه

Error! Bookmark not defined...... ج) دیدگاه قاضی عبدالجبار، سیدمرتضی و محقق طوسی

Error! Bookmark not defined...... الف) قاضی عبدالجبار

Error! Bookmark not defined......ب) سیدمرتضی

Error! Bookmark not defined......ج) محقق طوسی

Error! Bookmark not defined......جمع بندی:

Error! Bookmark not defined......جمع بندی نهائی

Error! Bookmark not defined......فهرست منابع

پیشگفتار

فرقه شناسان شیعه را از جمله فرقه‌های عقل‌گرا می‌دانند. بدین معنا که این گروه علاوه بر وحی، عقل را حجت شرعی و مباحث عقلی را راهی برای دستیابی به حقائق عالم می‌دانند. به بیان استاد جوادی آملی:

«در اندیشه شیعه نقل معتبر «ما انزل الله» است، عقل برهانی نیز «ما الهمه الله» است. و هر دو منبعی برای وصول بشر به شناخت دین هستند»^۱.

بی‌درنگ عقل‌گرایی معتزله نیز امری مسلم است. در نگاهی مقارن بین معتزله و دیگر مذاهب کلامی، صبغه عقل‌گرایی معتزله بیش از دیگر فرق اسلامی است. با این حال عقل‌شیعی از ویژگی مهمی برخوردار است که عقل معتزلی از آن محروم است و آن بهره‌گیری از عقل برتر امامان معصوم (ع) است. آ‌حال آنکه معتزله از این رحمت الهی محرومند.^۳

به هر حال متکلمان شیعی چون شریف مرتضی و خواجه نصیرالدین و متکلمان معتزلی چون قاضی عبدالجبار اثبات آموزه‌های دینی بوسیله عقل را پذیرفتند.^۴ براساس نظر سید مرتضی هر حدیثی را ابتدا باید به عقل ارائه نمود و در صورت عدم تعارض آن با عقل با سندی معتبر

1. عبدالله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص 8-13، و 93 و 94.

2. علی ربانی گلپایگانی، درآمدی بر علم کلام، ص 188.

3. ملاعبدالرزاق لاهیجی، گوهر المراد، ص 48-49.

4. سیدمرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج 1، ص 127؛ عبدالستار الراوی، العقل و الحریره، المؤسسة العربیة للدراسات والنشر، صص 237-279؛ عائشه یوسف‌المناعی، اصول العقیده المعتزله و الشیعه الامامیه، دارالتقافه، چاپ اول، قطر، 1412، صص 69-98.

همانند قرآن مورد سنجش انتقادی قرار داد.^۱ اندیشه‌ای که مورد قبول متکلمان بعد از او قرار گرفت، بدانجا که شیخ طوسی (م 460)، خواجه نصیرالدین طوسی (م 672)، ابن مطهرحلی (م 726ه) و... در تبیین اصول اعتقادی امامیه، شارح نظرات او شده، عقل را یگانه منبع اصول اعتقادی در دین دانستند.^۲

عنایت به این نکته مفید خواهد بود که حکما و متکلمان اسلامی در معرفت خداوند دو نوع شناخت را متصور می‌دانند:

الف) شناخت حصولی که با بکارگیری مفاهیم کلی عقلی، استدلال و برهان میسر است؛

ب) شناخت حضوری که بدون وساطت مفاهیم ذهنی و بطور مستقیم تحقق می‌یابد.^۳

در حوزه شناخت حصولی این پرسش مطرح است که کارایی عقل و براهین عقلی در

شناخت خدا چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش تحقیق پیش رو شکل گرفت و به این معنا دست یافت که عقل از این جهت که مُدرک کلیات است، توان ورود به مباحث کلی اثبات مبداء و صفات او را دارد. وقواعد کلی که در تدوین و ترسیم براهین و قیاسات منطقی برای رسیدن به مجهول لازم است را در اختیار متکلم قرار می‌دهد. تا اندیشمندان این حوزه با استفاده از آن به اثبات، دفاع و دفع شبهات پیرامون این آموزه بپردازد.

1. سیدمرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج 1، ص 410.

2. ویلفرد مادلونگ، مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های نخست، ص 166-173.

3. شیخ طوسی، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ص 9؛ و عده الاصول، ج 2، ص 126.

فصل اول:

کلیات

الف) مباحث مقدماتی

1. تبیین موضوع

بحث عقل در تاریخ تفکر اسلامی به عنوان یکی از منابع و ابزارهای شناخت از جمله مباحثی است که عمری به درازای تاریخ کلام و فلسفه دارد، چنانکه در ادیان قبل از اسلام نیز سرگذشتی پرفراز و نشیب داشته است. رویکرد جریان‌های کلامی و فلسفی جهان اسلام در بهره‌گیری از آن متفاوت بوده است. این پژوهش در مقام تبیین ماهیت عقل (عقل کلامی و عقل فلسفی) و کارکرد آن در مباحث مبداء شناسی با تاکید بر اندیشه‌های کلامی سیدمرتضی و قاضی عبدالجبار به عنوان نماینده تفکر کلام عقلی، و اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان نماینده تفکر کلام عقلی فلسفی استوار است، و بر آن است تا میزان و شیوه کارائی عقل در دستگاه فکری اندیشمندان فوق، در مباحث مبداء شناسی را تبیین نماید.

2. هدف تحقیق

هدف این پژوهش تبیین ویژگی‌های عقل کلامی و فلسفی در کلام اسلامی (با عنایت به اندیشه‌های دو متفکر شیعی و یک متفکر معتزلی) و کاربرد آن دو در مباحث خداشناسی و توحید است، تا زمینه داوری در این دو روش فکری در کلام اسلامی فراهم گردد و جهات قوت و ضعف آنها آشکار شود.

3. سؤال اصلی

ویژگی های عقل کلامی و فلسفی از منظر سیدمرتضی، محقق طوسی و قاضی عبدالجبار و نقش و کارکرد آن در مبداء شناسی چیست؟

4. سؤالات فرعی

- الف) منشاء تقسیم عقل به عقل کلامی و عقل فلسفی چیست؟
- ب) جهات اشتراک و اختلاف عقل کلامی و فلسفی کدام است؟
- ج) عقل کلامی و فلسفی در کلام اسلامی چه پیشینه ای دارد؟
- د) دستاوردهای این تحقیق برای مباحث کلامی چیست؟

5. روش تحقیق

این پژوهش با بهره گیری از روش کتابخانه‌ای ضمن نقل اقوال به توصیف و تحلیل آنها می‌پردازد.

6. فرضیه

عقل کلامی و فلسفی در مباحث مبداء شناسی تفاوت جوهری ندارند، زیرا هر دو تفکر عقلی به توانمندی عقل در تبیین و تحلیل مسائل این عرصه معتقد و ملتزم بوده اند، ولی در مجموع عقل فلسفی از توانمندی و نقش آفرینی استوارتر و دقیق تری برخوردار بوده است.

ب) نگرشی به شخصیت کلامی و فلسفی سیدمرتضی، قاضی عبدالجبار و محقق

طوسی

1. سیدمرتضی

علی بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم (ع) بغدادی ملقب به «سیدمرتضی»، «علم الهدی» و «ذومجدین» در سال 355 هجری در بغداد دیده به جهان گشوده است. پدرش ابواحمد معروف به «نقیب» از علمای خوش نام نزد مردم، خلفای عباسی و آل بویه و نقیب علویان بود. سیدمرتضی علم آموزی را در بغداد آغاز کرد و نزد بزرگانی چون شیخ مفید (م 413)، ابومحمد هارون (م 380)،^۱ ابوعبدالله محمد بن عمران مرزبانی (م 384) سهلین احمد دیباجی (م 385) شیخ محمد صدوق (م 381)،^۲ احسین بن علی بابویه^۳ و... تلمذ نمود. و شاگردانی چون شیخ طوسی (460)،^۴ ابوالصلاح حلبی (447)،^۵ احمد بن عبدالعزیز سلار دیلمی (448 یا 463)،^۶ ابوالفتح کراچی (449)، قاضی عبدالعزیز بن براج (481) و... را تربیت نمود.

سیدمرتضی در نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری می زیسته است. در زمان او حکومت مرکزی اسلام دوره ضعف و سستی را می گذراند، اما افتخار و فخر فروشی دربارها بواسطه حضور علما در دربار، که خود سبب گسترش مکتب ها مختلف علمی بود، جذب

1. احمد بن علی نجاشی، رجال نجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم، 1416، ص 399.

2. میرزا محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، چاپ مهر استوار، ج 6، ص 119.

3. شیخ محمد بن الحسن حرعاملی، امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ اول، مطبعه الآداب، نجف، 1385، ج 2، ص 283.

4. عبدالحسین الامینی، الغدیر، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، 1397، ج 4، ص 269.

5. محمد باقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ص 219.

6. شیخ محمد بن الحسن حرعاملی، امل الآمل، ص 46.

7. محمد باقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج 2، ص 270.

متفکران در دربار، تشکیل کتابخانه ها توسط وزراء و سلاطین، تشکیل و اداره مدارس و برقراری شهریه برای طالبان علم و... همه دلیل بر اقبال سلاطین به علم و دانش در آن زمان است. از سوی دیگر موضوع غیبت امام زمان(عج) و لزوم وجود ولی عصر خصوصا با درگذشت نائبان امام زمان(ع) در نیمه اول قرن چهارم عاملی جهت تحول در افکار دینی و توجه بیشتر به مناظره و جدل میان شیعیان و سایر فرق اسلامی شد، در نتیجه لزوم توجه به علم کلام بیشتر احساس می شد، شیخ مفید و سیدمرتضی کهنشخصیت کلامی او بر دیگر وجوه شخصیتی او سایه گستر بود، از ارکان علم کلام شیعه در این قرن بودند. علاوه بر این، تعامل پیروان مذاهب با یکدیگر و شرکت پیروان مذاهب مختلف در جلسات درس مراجع شیعی در این زمان سببی بود تا سیدمرتضی که زعامت علمی جامعه را بر عهده گرفته بود، اهتمام وافری به فراگیری و ارائه علم کلام و فقه داشته باشد.

حضور سیدمرتضی در شهر بغداد سبب شد تا این شهر در زمان کوتاهی شاهد گسترش علم و ادب باشد. شیفتگان دانش از نقاط دور جهان به آنجا می آمدند تا از محضر سیدمرتضی توشه بردارند. اختصاص بخشی از خانه سیدمرتضی جهت تأسیس کتابخانه که بعدها به «دارالعلم» مشهور شد، نقطه عطفی در ایجاد فضای علمی بغداد بود. در عصر زعامت سیدمرتضی فقه تا حدود زیادی از صورت روایی بیرون آمده و قیافه فتوا به خود گرفت. این مطلب در زمان شیخ مفید که در آخر قرن چهارم و آغاز قرن پنجم می زیسته بیشتر نضح گرفت، سیدمرتضی را می توان از همین دوره دانست.

سیدمرتضی از علوم مختلفی چون کلام، فقه، اصول، ادب، نحو، معانی، شعر، لغت بهره مند بود. اما شخصیت فقهی و کلامی وی بر دیگر وجوه شخصیتی او سایه گستر بود. او در مباحث کلامی از عقل پیروی می کرد، جایگاه عقل نزد او چنان والا بود که در مواردی چون

1. عبدالحسین امینی، *الغدیر*، ج 4، ص 268

2. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص 99؛ احمد بن علی نجاشی، *رجال نجاشی*، ص 270؛ سید مرتضی، *الذخیره*، تحقیق احمد الحسینی، مؤسسه النشر الاسلامی، 1411، مقدمه؛ ابن خلکان، *وفیات الاعیان*، تحقیق دکتر احسان عباس، دارالتقافه، بیروت، ج 3، ص 313.

معتزلیان بر استقلال عقل تأکید داشت.^۱ وی عقل را ابزار شناخت اولین تکلیف^۲ و تنها راه شناخت خدا می دانست^۳ و در دفاع عقلانی از آراء و عقائد شیعه امامیه با متکلمان دیگر مذاهب خصوصاً متکلمان معتزلی و زیدی وارد مناظره می شد. مبنای او این بود، زمانی که مخاطب با اعتقادات محقق همسو نباشد، تکیه بر عقل و استدلال عقلی و استناد به ضروریات عقلی اشکال ترین راه برای اثبات مطالب است. چرا که دلالت عقلی از هر دلالتی برتر است^۴ و حکم ثابت شده عقلی را نمی توان با امر احتمالی رد کرد. بر این اساس وی روایات ناسازگار با ادله عقلی را نمی پذیرد و روایات صحیح السندی که در ظاهر با حکم عقل مخالف باشد را تأویل می برد و در صورت عدم امکان تأویل آن را مردود میدانند.^۵ به صورت کلی می توان گفت که علم الهدی در صورت فقدان دلیل قطعی و علم آور، به ادله عقلی روی می آورد، و از پذیرش خبر واحد به عنوان شیوه علمی در رد و اثبات موضوعی اجتناب می کرده است.^۶ مثلاً در بحث از عصمت انبیاء تأکید دارد که عصمت انبیاء و ائمه بر دلیل عقلی متکی است،^۷ وی در پاسخ به موارد کلامی یا تاریخی که اثبات کننده نوعی گناه برای انبیاء است، اصل معجزه را تکیه گاه خود قرار داده و بر اساس آن، دلیل عقلی بر تنزیه ایشان می آورد، و هیچ توجه ای به روایات ندارد و حتی معتقد است که عقل، معیار سنجش روایات است و هر آنچه با عقل مخالف باشد، مردود است، مگر اینکه راهی برای تأویل آن باز باشد.^۸ سید بر اساس دلائل عقلی غیر قابل تأویل، گزارشاتی را که بیانگر دروغ گفتن

1. ویلفرد مادلونگ، *فرقه های اسلامی*، ص 135.

2. سیدمرتضی، *الذخیره*، صص 167- به بعد.

3. همان، *رسائل الشریف المرتضی*، ج 1، ص 127.

4. همان، *تنزیه الانبیاء*، ص 5.

5. همان، *تنزیه الانبیاء*، ص 52، 168، 82.

6. همان، *رسائل الشریف المرتضی*، ج 1، ص 210.

7. همان، *تنزیه الانبیاء*، ص 39 و 50؛ و *رسائل الشریف المرتضی*، ج 1، ص 121.

8. همان، *تنزیه الانبیاء*، تحقیق فارس حسون کریم، بوستان کتاب قم، قم، 1380، ص 204-203 و 207.

پیامبران است، جعلی^۱ و افسانه غرائبق را نادرست دانسته است.^۲ برهمین مبنا، رسول خدا(ص) را مصداق خارجی عبس و تولی^۳ ندانسته، با دقت در این آیات نشان داده است که شخص مورد نظر، ایشان نبوده است، زیرا ترش روئی در مقابل مؤمنان و بی توجهی به آنان، مهم ترین عامل دوری و بیزاری است.^۴

سیدمرتضی در بخش‌های مختلف از کتاب‌های «الشافی»، «الذخیره» و «الرسائل» وجوب امامت را از طریق عقل اثبات می‌کند.^۵ وی بر اساس این استدلال عقلی، برون دینی اثبات می‌کند که منظور از کارهای پسندیده و زشت، خوبی‌ها و بدی‌ها عقلی است نه شرعی، بر این اساس تنها تکالیف عقلی متعلق اوامر و نواهی حکومت خواهد بود. براساس چنین تفکری سید در کتاب «الشافی» با بسط ضرورت عقلی امامت، کلام قاضی عبدالجبار را که می‌گوید: «حکومت به لحاظ عقلی ضرورتی ندارد»^۶ مورد انتقاد قرار داده است. تکیه بر عقل در مسئله امامت و غیبت در این منابع نیز دلیل بر اهمیت و جایگاه عقل نزد سیدمرتضی است. در حقیقت سیدمرتضی احیاگر تفکرات عقلی شیخ مفید در کلام امامیه است. اهتمام ویژه او به عقل و پیروی از شیوه عقلی در نقد و استدلال سبب شد تا عده‌ای او را معتزلی بدانند.^۸

او از معدود مفسرانی بود که قرآن را با نظر و اندیشه عقلی تفسیر می‌کرد، پیش از او بیشتر مفسران بر اساس نقل قرآن را تفسیر می‌کردند. وی در مواردی که نصی در تفسیر آیات وجود

1. همان، *تنزیه الانبیاء*، ص 26-29.

2. همان، ص 181-182 و 186.

3. سوره عبس (80) آیه 1.

4. سیدمرتضی، *تنزیه الانبیاء*، پیشین، ص 196.

5. همان، *رسائل الشریف المرتضی*، ج 1، ص 309؛ و ج 2، ص 294.

6. همان، *رسائل الشریف المرتضی*، ج 1، ص 314-315.

7. همان، *الشافی فی الامامه*، ج 1، ص 62-72.

8. همان، *رسائل الشریف المرتضی*، مقدمه سید احمد حسینی، دارالقرآن الکریم، قم، 1405، ص 9؛ و *الذخیره*، پیشین، ص 26؛ و

الملخص فی اصول الدین، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، ص 19 به بعد...

نداشت به اصول اعتقادی و چهار چوب فکری شیعی تکیه می کرد و با استفاده از روش عقلی و ذوق سلیم، معنایی برداشت می کرد که مخالف آیات و روایات نباشد.¹ وی معتقد بود که حسن و قبح، عقلی است و عقل توان درک آنها را دارد... هرچند عقل در مواردی که شرع حکم به حسن یا قبح کرده باشد، تابع شرع است. در اندیشه او عقل بعد از شرع معتبر است.²

مرحوم بحرانی در معرفی او می گوید: «... او قدس سره مجتهدی صرف و اصولی بحت بود، و در استدلال های خود کمتر به اخبار تمسک می جست و بیشتر به ادله عقلی متمسک بود.»³ در عین حال او استقلال عقل را در فهم و کشف تمام معارف اعتقادی قبول ندارد و در مواردی برای اثبات معارف عقیدتی به سمع و نقل استناد می کند چنانچه در اثبات برخی از صفات امام از عرف و یا اجماع استفاده می کند.⁴

وی تألیفات فراوانی از خود بر جای نهاده است. شیخ طوسی⁵ ابن شهر آشوب⁶ و... به آنها اشاره نموده اند.

بیش از پانزده اثر از تألیفات سیدمرتضی به علم کلام اختصاص دارد. و کتاب «الشافی» که رد بر بخش امامت کتاب «المغنی» قاضی عبدالجبار (م 415) معتزلی است و کتاب «الذخیره» از مهمترین کتب کلامی اوست.

سیدمرتضی در سال 436 هجری در بغداد وفات یافت و در خانه اش واقع در محله کرخ به خاک سپرده شد. پس از مدتی جسد او به کربلا منتقل و در جوار روضه سیدالشهداء (ع) در

1. عبدالرزاق محی الدین، شخصیت ادبی سیدمرتضی، ترجمه جواد محدثی، امیرکبیر، تهران، پیشگفتار.

2. سیدمرتضی، الذخیره، پیشین، ص 25.

3. یوسف بحرانی، لؤلؤالبحرین، ص 313؛ سیدعلی خان، شیرازی، الدرجات الرفیعه، چاپ نجف اشرف، ص 185؛ سید مهدی، بحر العلوم، رجال علامه بحر العلوم، چاپ اول، مکتبه الصادق، 1363، ج 2، ص 87.

4. سیدمرتضی، الذخیره، ص 437.

5. شیخ طوسی، فهرست، تحقیق شیخ جواد القیومی، چاپ اول، مؤسسه نشرالفقاهه، 1417، ص 98.

6. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، مطبعه قم، قم، ص 104؛ نگ: سید مرتضی، الذخیره، پیشین، ص 48-57.

مقبره ابراهیم مجاب (نیای بزرگشان) و مدفن برادرش سیدرضی دفن گردیده است.

2. قاضی عبدالجبار

عمادالدین ابوالحسن عبدالجبار بن احمد بن عبدالجبار احمد بن خلیل بن عبدالله همدانی اسدآبادی ملقب به «قاضی عبدالجبار معتزلی» و «قاضی القضاة» حدود 325 هجری در اسدآباد متولد شد. وی برای علم آموزی به بغداد رفت و تا سال 367 هجری در بغداد زیست، در این سال به دعوت وزیر آل بویه صاحب بن عباد به ری رفت و منسب قضاوت را پذیرفت و تا مرگ صاحب در این منصب باقی ماند. بعد از مرگ صاحب بن عباد، فخرالدوله دیلمی او را از این منصب عزل نمود.¹

او در کلام ابتدا بر مذهب اشاعره بود، در اثر مباشرت با ابا اسحق بن ابراهیم بن عیاش البصری در سن 24 سالگی به اعتزال گرائید و نام او در زمره معتزلیان بصره ثبت شد. او در مذهب شافعی بود.

قاضی نزد اساتیدی چون ابی اسحاق ابراهیم عیاش البصری، ابی عبدالله حسین بن علی بصری (ت369)، ابراهیم بن سلمه القطان (ت345)، علی بن عبدالرحمن بن حمران الجلاب (ت346-342)، عبدالله بن جعفر بن فارس (ت346)، زییر بن عبدالوهاب الاسدآبادی (347) و... تلمذ نموده است.

اکثر شاگردان او را رجال طبقه دوازدهم معتزله تشکیل می دادند، که مشهورترین آنها عبارتند از: مؤید بالله احمد بن حسین آملی، ابورشید سعید بن محمد نیشابوری، که بعد از قاضی

1. قاضی عبدالجبار شرح الاصول الخمسه، تحقیق عبدالجبار ابن احمد، ام القرى للطباعة و النشر، چاپ دوم، 1408، ص 14-15؛ علی اصغر حلبی، تاریخ علم کلام در ایران و جهان اسلام، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، 1367، ص 53.

2. ابن مرتضی، المنیه والامل فی شرح الملل و النحل، ص 11؛ جعفر، سبحانی، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، انتشارات توحید، 1371، ج 4، ص 270.

3. قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص 9؛ عبدالرحمن بدوی، تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، آستان قدس رضوی، مشهد، 1374، ص 121.

عهدہ دار ریاست معتزله شد. ابوالحسین محمد بن علی البصری (436)، ابومحمد حسن بن احمد متویه (469)، ابوالقاسم علی بن محسن تنوخی (355-447)، ابویوسف عبدالسلام بن محمد قزوینی (488)، ابوعبدالله حسین بن علی صیمری (351-436)، ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بستی و... می باشند.

قاضی در زمره آخرین متکلمان معتزلی است که علاوه بر علم کلام، در علوم مختلفی چون فقه، اصول، تفسیر، علوم قرآن، حدیث صاحب رأی بوده است و در زمره بزرگترین تئوری پردازان علم کلام (اهل سنت) در عصر خود بوده است، در عصری که مسلک اخباری گری اهل حدیث و حنابلہ به هیچ فردی اجازه نواندیشی و پاسخ به شبهات وارده بر اهل سنت را نمی داد، اندیشه های کلامی او تأثیر قابل توجهی بر اصول فکری اهل سنت گذاشت. او متکلمی عقل گرا بود، بدان حد که عقل را فصل تعریف انسان دانسته (اتصاف انسان به وصف عاقل) و تلقی انسان به عنوان موجودی مکلف موضوع پژوهش های او و تکلیف انسان قبل از شرایع آسمانی و ارسال رسولان، مبنای تفکر کلامی او را تشکیل می داد.¹ قوت استدلال و عقل گرائی وی به او اجازه داد تا اندوخته های مشایخ خود را بارور ساخته و در زمینه های یاد شده نظرات جدیدی ارائه نماید. از این رو است که صاحب عباد در منزلت علمی او می گوید: «او افضل و اعلم مردم در عصر خود بود».²

قاضی نماینده اعتزال خالص در عصر خود بود، در زمان قاضی علم کلام و فلسفه مورد هجوم فلسفه یونان قرار داشت، و دو رویکرد در برخورد با این تهاجم وجود داشت: عده ای معتقد بودن که فکر فلسفی از یونان آغاز شده است و امور فلسفی به فلاسفه یونان بر می گردد. گروهی برعکس جریان فکری اول می اندیشند،³ قاضی از جمله عالمانی بود که در گروه دوم قرار داشت و

1. قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص 23-122؛ و المعنی، ج 12، ص 509؛ و المحيط بالتکلیف، ج 1، ص 26؛ احمد محمود، صبحی، الفلسفه الاخلاقی فی الفکر الاسلامی، دارالنهضة العربیه، بیروت، 1992، ص 119.

2. ابن مرتضی، المنیه والامل فی شرح الملل و النحل، ص 11 و 194.

3. احمد محمود، صبحی، فی علم الکلام، ج 3، ص 10.

تلاش می‌کرد تا علم کلام تحت تأثیر این هجمه اصالت خود را از دست ندهد.^۱ از سوی دیگر شکل‌گیری مکتب بغداد و تمایل آن‌ها به شیعه سبب شد تا تفکر شیعی براندیشه‌های کلامی معتزله تأثیر بگذارد، (احتمالاً تأثیر پذیری از دیگر جریان‌های فکری) بدان گونه که عنوان «متشیع المعتزله» بر آنها نهاده شد بود.^۲ از این رو با شکل‌گیری تشیع بغداد و تمایل آن به شیعه دسترسی به آموزه‌های اصیل اعتزالی امری سخت و دشوار بود. مضافاً بر اینکه تا زمان قاضی داشته‌های جامعه بشری از معتزله عمدتاً بواسطه غیر (دشمنان) معتزلیان ارائه می‌شد که خود عاملی برای ایجاد دوری جامعه علمی از عقائد معتزله و دشواری دست‌رسی به آموزه‌های اصیل آنان بود. اما قاضی با تألیف کتابهای قیّم در کلام معتزله و... چهره‌ای واقعی از این فرقه ارائه نمود.

هماوردی او با شیخ مفید در مباحثی چون نخستین تکلیف و راه علم به آن، نشانی از جایگاه علمی او است، قاضی استدلال برای شناختن خدا را اولین تکلیف می‌دانست، اما شیخ مفید شناختن خدا را اولین تکلیف می‌دانست. منشاء دو دیدگاه، به نگاه دو متکلم به توانمندی عقل و حیطه قدرت آن برمی‌گردد، به بیان قاضی عقل ابزار استقرار حقائق دینی است، در حالی که شیخ مفید عقل را مدافع آموزه‌های دینی می‌داند.^۳

این هماوردی در حوزه اخلاق، در اساس و مبنای خوب و بد اخلاقی نیز مطرح بوده است، قاضی معتقد است که خوبی و بدی بالضروره شناخته شده است و داوری‌های عمل اخلاقی از ترکیب یک اصل ضروری شناخته شده با عملی مکتسب حاصل می‌شود.^۴ بر این اساس قاضی معتقد است که بدون لحاظ شرع بعضی از افعال خوب یا بد خواهند بود. وحی توان حسن و قبح

1. قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، تحقیق عبدالجبار احمد، ص 32.

2. احمد محمود، صبحی، فی علم الکلام، ج 3، ص 346.

3. قاضی عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، ص 39؛ و المعنی، ج 11، ص 299؛ شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، ص 11-12 و 84.

4. قاضی عبدالجبار، المعنی، ج 6، ص 63-64.

بخشیدن به این افعال را ندارد، بلکه حقیقت آنها را آشکار می کند.¹ در حالی که شیخ مفید معتقد است وجود وحی در تعیین نخستین تکلیف اخلاقی ضروری است و استقرار تکلیف اخلاقی در جهان بر این اساس بوده است. آبله بعضی از افعال که عقل آنها را خوب یا بد می داند به طبع چنین هستند، نه بدان جهت که خدا آنها را چنین معرفی کرد...³

برای درک شخصیت کلامی قاضی کافیت تا به ردیه های او بر استدلال های شیعه و شبهات او بر مبانی فکری امامیه توجه شود، برای نمونه استحکام کلام قاضی در دو کتاب «المغنی» و «تثبیت دلائل النبوه» او سبب شد تا سیدمرتضی کتاب «الشافی فی الامامه» را به پاسخ گوئی و رفع شبهات وی اختصاص دهد.

او تألیفات زیادی در فقه، اصول، تفسیر، علوم قرآن، حدیث و کلام دارد. «شرح الاصول الخمسه» که به املائی قاضی و نگارش شاگردان وی است، «المغنی فی ابواب التوحید والعدل» «تثبیت الدلائل النبوه»، «المجموع فی المحيط بالتکلیف» و «فضل الاعتزال و طبقات المعتزله» از مهمترین آثار اوست.

وی در سال 347 هجری در اسدآباد درگذشت.

3. خواجه نصیرالدین طوسی

ابوجعفر محمد بن محمد حسن معروف به خواجه نصیرالدین طوسی در سال 597 هجری در طوس متولد شد. وی ملقب به «محقق طوسی»، «خواجه طوسی»، «استاد البشر»، «عقل حادی عشر» و «معلم ثالث» بود.

علم آموزی او در کودکی از زادگاهش آغاز شد، وی با طی مقدمات علوم دینی، فقه و اصول را نزد پدرش وجیه الدین محمد بن الحسن و مقدمات منطق و حکمت را نزد دایی خود

1. همان، المغنی، ج 11، ص 294-295.

2. نگ: شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد (شرح عقائد صدوق)، ص 69.

3. مارتین مکدرموت، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص 92.

نور الدین الشیعی فراگرفت. خواجه برای دست یابی به مراحل عالی علم به نیشابور رفت. در آنجا علوم حکمیه، پزشکی و ریاضی را نزد کمال الدین محمد الحاسب آموخت. عصر حضور خواجه در نیشابور از دوران پربار و درخشان تاریخ میهن ماست. به رغم حمله‌های صوفیه و قشریان به علوم خصوصاً فلسفه در آن زمان، حوزه‌های علمی و فلسفی منطقه بلخ، آباد و برقرار بود. ^۱خواجه قبل از ویرانی نیشابور به ری، بغداد و موصل سفر نمود و نزد اساتیدی چون فریدالدین نیشابوری، شیخ برهان الدین محمد بن علی حمدانی (زنده به سال 612)، قطب الدین مصری (618)، کمال الدین بن یونس موصلی (م 639)، معین الدین مصری، و... مراحل کمال علمی را سپری نمود.

هنگام حمله مغول به بلاد اسلامی، خواجه به قلاع اسماعیلی پناهنده شد و به خواست ناصرالدین محتشم، فرمانروای قلاع اسماعیلی، کتاب «الطهاره»/بوعلی مسکویه را خلاصه نموده، به فارسی ترجمه و با افزودن مطالبی به آن، مجموعه‌ای به نام «اخلاق ناصری» تدوین نمود. وی عمده کتب ریاضی و کتاب اساس الاقتباس و شرح الاشارات را در قلاع اسماعیلی تألیف کرد.

بزرگان زیادی نزد خواجه به دانش آموزی پرداختند، قطب الدین شیرازی (633-710)، ابن میثم بحرانی (679) و علامه حلی (726) از مهمترین آنها به شمار می‌آیند.

خواجه عالمی ذوالفنون بود و مباحث ارائه شده در مجالس درس وی چنان متنوع بود که هر طالب علمی می‌توانست در رشته دلخواه خود از خرمن علم او خوشه‌ای بچیند. علاوه بر این تعامل او با دیگر مذاهب سببی بود تا دانش جویان فرق مختلف در درس او حاضر شوند.^۲

او با خدمات ارزنده‌ای چون تأسیس کتابخانه در محل رصدخانه مراغه که دربردارنده کتابهای به تاراج برده مغولان از ماوراءالنهر، خراسان، بغداد، موصل و دمشق بود، دعوت از علمای بلاد که از این شهر به دیگر شهرها مهاجرت کرده بودند، حفظ جان عالمان خصوصاً در اردوگشی هلاکو به بغداد، با حمایت مالی از آنها و... جامعه بشری را مرهون خود نمود. این خدمات در

1. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران، 1347، ص 41 و 55.

2. حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه محمد آرام، نشر اندیشه، تهران، 1350، صص 40-41 سید ضیاءالدین، صفی نیا، تاریخ

علم کلام، نشر اشراقیه، تهران، 1388، ص 523.

عصر خواجه که جامعه اسلامی در اوج هماوردی با مغولان بود، و... بیشتر جلوه می کند. اترویح تشیع و اثبات ولایت و امامت بر اساس قواعد کلامی، فلسفی از جمله مهمترین این خدمات بود.^۲ او متکلمی فیلسوف است، بکارگیری روش فلسفی در مسائل و مباحث کلامی، به دست خواجه به کمال رشد خود رسید. هرچند او در این امر برای برخی از معادله‌های کلامی و عرفانی نیز جایگاه خاصی قائل بود... او ضمن برخورداری از رویکرد عمده «عقل گرایی تأویلی» با بکارگیری «شهود و اشراق» از خشک بودن رویکرد فلسفی محض نیز دور مانده است، ضمن اینکه زمینه روی کار آمدن تفکر حکمت متعالیه را نیز فراهم نموده است.^۳ دیدگاه خاص خواجه در مسئله ای، گاه به متکلمان و گاه به فلسفه (اشراق) نزدیک تر است. برای مثال: او معتقد بود علم خداوند حضوری است، حال آنکه ابن سینا قائل به حصولی بودن آن است.^۴ برخلاف بسیاری از متکلمان خواجه ایمان را تصدیق قلبی و اقرار زبانی می داند.^۵ وی متکلمی شیعی است اما بداء را نمی پذیرد.^۶

تبحر زیاد خواجه در حکمت و فلسفه،^۷ وی را بر آن داشت تا در قامت مدافعی مقتدر برای این علم قد برافرازد و با جدیت انتقادهای مخرب برخی از فلاسفه را پاسخ دهد. اساس تفکر خواجه در احیای فلسفه بر دو اصل استوار بود:

-
1. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران (از آغاز تا قرن دهم هجری)، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، 1376، ج 2، ص 620-621؛ علی اصغر حلبی، علم کلام در ایران و جهان اسلام، ص 278.
 2. محمدتقی مدرسی رضوی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1354، صص 238-248.
 3. محمد صفر جبرئیلی، سیرتطور کلام شیعه، ص 329.
 4. خواجه نصیرالدین طوسی، شرح الاشارات، ج 3، صص 305-307؛ نگ: محمد، مدرسی، سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1363، صص 163-164، حمید عیدی، خواجه نصیرالدین طوسی، انتشارات شاپور خواست، چاپ اول، خرم آباد، 1389، صص 106-116.
 5. خواجه نصیرالدین طوسی، کشف المراد، ص 577. البته ایشان در فصول النصیریه فقط تصدیق را ایمان می داند. نگ: فاضل مقداد، الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریه، ص 188.
 6. خواجه نصیرالدین طوسی، تلخیص المحصل، ص 421.
 7. محمد حسین طباطبائی، شیعه در اسلام، ص 106.

الف) رد اشکالاتی که متوجه فلسفه شده بود.

ب) تثبیت اعتبار و شخصیت فلاسفه که بر اثر نقد دیگران دستخوش تزلزل شده بود. مثلاً غزالی در «تهافت الفلاسفه» نقد خود را متوجه فارابی (م 339) و ابن سینا (م 428) نموده با استفاده از ابزار «تکفیر» تصریح کرده است که آنها بخاطر قول به مسأله قدم عالم و جواهر، نفی علم خداوند به جزئیات و نفی بعث جسمانی کافر شدند و... خواجه در اکثر آثار خود به سه مسأله فوق پرداخت. مثلاً در «تجريد الاعتقاد» قدم عالم را نفی می کند.¹ و در دیگر آثارش نفی علم خدا به جزئیات را رد میکند² و... در موارد بسیاری تأکید بر معاد جسمانی می کند.³ حل این مسائل بر اساس منهج فلسفی که خود نوعی احیای فلسفه است، نشان از شخصیت علمی او است.⁴ وی با تألیف «شرح اشارات و تنبیهات» به بسیاری از اشکال ها و انتقادهای فخر رازی بر فلسفه مشائی ابن سینا پاسخ دهد.⁵

پاسخ به بیان تند غزالی و مصارع الفلاسفه شهرستانی و... شاهدهی دیگر بر ادعای فوق است.⁶

خواجه با تألیف «تجريد الاعتقاد» تأثیر قابل توجهی در احیاء و ترویج تفکر عقلانی - فلسفی نه فقط در تشیع، بلکه در جهان اسلام از خود بر جای نهاده است.⁷ دستاورد کلام فلسفی خواجه نصیر این بود که حرکت نوینی در کلام امامیان آغاز نمود. خواجه در این کتاب به تدوین منطقی و

1. خواجه نصیرالدین طوسی، *تجريد الاعتقاد*، ص 114-115.

2. خواجه نصیرالدین طوسی، *فصول النصیریه*، ص 82-83؛ *تجريد الاعتقاد*، ص 192؛ علامه حلی، *کشف المراد*، ص 397-400.

3. خواجه نصیرالدین طوسی، *تجريد الاعتقاد*، ص 300-301، و *فصول النصیریه*، ص 177-178؛ علامه حلی، *کشف المراد*، صص 449.

4. سهیل الحسینی، *الخواجه نصیرالدین الطوسی*، معهد المعارف الحکمیة، چاپ اول، بیروت، ص 183؛ عبدالامیر الاعسم، *الفیلسوف نصیرالدین الطوسی*، ص 138-140.

5. غلامحسین ابراهیمی دینانی، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1379، ج 2، ص 270؛ نگ: م.م. شریف، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ج 2، ص 87.

6. نگ: غلامحسین ابراهیمی دینانی، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، ج 2، ص 270.

7. عبدالامیر الاعسم، *الفیلسوف نصیرالدین الطوسی*، دارالاندلس، چاپ دوم، بیروت، 1980، ص 155.

زیربنائی کلام شیعه پرداخت و با بهره گیری از حکمت مشاء امور عامه فلسفه را به عنوان مقدمه در مباحث کلامی وارد کرد، زیرا می دانست که با فقدان یک مبنای صحیح فلسفی نمی توان به بررسی گزاره های کلامی پرداخت. او با این طرح، بنیادی رفیع را در حکمت و کلام شیعی پایه گذاری کرد. لذا کلام بیش از پیش رنگ فلسفی به خود گرفت. او از آنجا که فلسفه فقط از برهان و یقینیات استفاده میکند، علم کلام به مرور از سبک جدلی خود خارج شده، بیشتر رنگ و بوی برهانی به خود گرفت. برهانی شدن کلام ثمراتی را به همراه داشت که عبارتند از:

الف) موفقیت کلام و متکلمان در عرصه مباحث اعتقادی، تبیین و دفاع از آنان را در پی داشت. فلاسفه متأخر از خواجه با طرح مسائل لازم کلام در فلسفه با سبک و روش فلسفی، آن ها را تجزیه و تحلیل می کردند و از دیگر متکلمان که با سبک قدیم و جدید وارد این مباحث می شدند موفق تر بودند.

ب) دلایل و براهین در اثبات مباحث عقیدتی، استحکام و استواری لازم را بدست آورد.

ج) علی رغم اختلافی که امامیه با معتزله در کلام دارد، دریچه ای جهت تعامل کلام معتزله با کلام شیعه و تأثیر و تأثر آندو از همدیگر گشوده شد و زمینه گسترش و اتقان و استحکام بیشتر علم کلام فراهم آمد، تأثیر پذیری امامیه در مبنا یا روش معتزلی (بنا به نظر قائلین) تا قرن هفتم ادامه داشته است.⁴ اما با ابداع روش برهانی خواجه، نفوذ معتزله در همین حد نیز در میان متکلمان شیعی رخت بر بست.

د) بعد از ابداع این روش متکلمان سنی نیز روش خواجه را در کتابهای خود و شروح آن بکار بستند. این امر بدان حد بود که کلام اشعری از افکار ابوالحسن اشعری فاصله بیشتری گرفته

1. محمد صفر جبرئیلی، *سیرتطور کلام شیعه*، ص 341. عده ای معتقدند که خواجه مبتکر این روش نبوده است، بلکه این سینا این روش

را اختراع و خواجه آن را احیا کرده است. نگ: عبدالامیر الاعسم، *الفلسوف نصیرالدین الطوسی*، ص 139 و 194 به بعد.

2. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج 3، ص 88؛ عبدالامیر الاعسم، *الفلسوف نصیرالدین الطوسی*، ص 152-153.

3. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج 3، ص 95؛ محمد صفر جبرئیلی، *سیرتطور کلام شیعه*، ص 342.

4. نگ: علامه حلی، *المسلك فی اصول الدین*، ص 33، محمد صفر، جبرئیلی، *سیرتطور کلام شیعه*، ص 343.

به عقائد فلسفی نزدیک تر شود.^۱

آثار زیادی در موضوعات مختلف از خواجه بر جای مانده است، بعضی از منابع عدد

تألیفات خواجه را تا 260 اثر بر می شمارند.^۲

خواجه در سال 672 هجری برحمت خدا رفته و در کاظمین مدفون گشت.

1. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج 9، صص 221-222؛ حسین، نصر، *جاودان خرد*، مجموعه مقالات، به اهتمام دکتر سیدحسین حسینی، انتشارات سروش، تهران، 1382، 314؛ حسین، نصر، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه جمعی از استادان فلسفه، انتشارات حکمت، 1383، ج 3، صص 110-112.

2. سهیل الحسنی، *الخواجه نصیرالدین الطوسی*، معهد المعارف الحکمیة، چاپ اول، بیروت، 2005، ص 88-114.